

مطالعه تطبیقی «توقیف پیشگیرانه» در حقوق کیفری ایران و انگلستان

عبدالرضا جوان جعفری^۱ محمد نوروزی^۲

چکیده

با توجه به اصل برائت، اصولاً اقدامات محدود کننده سالب آزادی مربوط به پس از ارتکاب جرم است، اما ضرورت اتخاذ تدابیر کنش‌ی قهرآمیز که از طریق مداخله نهادهای عدالت کیفری به منظور ممانعت از ارتکاب جرم صورت می‌گیرد، به یکی از رویکردهای اساسی در زمینه مقابله با بزهکاری تبدیل شده است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع دست اول کتابخانه‌ای، به تبیین جایگاه «توقیف پیشگیرانه» به مثابه اقدامات کنش‌ی قهرآمیز در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان می‌پردازد. با مطالعه تطبیقی این موضوع مشخص می‌شود که در نظام حقوقی انگلستان به منظور پیشگیری از ارتکاب جرم، اجازه توقیف افرادی که در صدد ارتکاب اعمال مجرمانه بوده و یا مظنون به داشتن چنین اراده‌ای هستند، به افسران پلیس داده شده است. در واقع با گسترش «سیاست جنایی امنیت‌گرا» در این نظام حقوقی، اختیارات پلیس در سلب آزادی افراد گسترش یافته است. افزون بر این، به منظور منع تجاوز حداکثری به حقوق شهروندان در کنار تجویز این نوع توقیف، در نظام کیفری انگلستان استانداردهایی جهت اصولی‌تر شدن انجام این عملیات پیش‌بینی شده است. به‌عکس مواد ۴۳ و ۴۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایران، نقطه آغازین فعالیت‌های انتظامی ضابطان را ارتکاب جرم و اطلاع از آن دانسته و اجازه «توقیف پیشگیرانه» به ایشان داده نشده است. بنا به یافته‌های پژوهش، به تاسی از نظام کیفری انگلستان می‌بایست به منظور پیشگیری از ارتکاب جرائم خاص واجد جنبه امنیتی، اختیار «توقیف پیشگیرانه» به طور ضابطه‌مند به ضابطان داده شود.

واژگان کلیدی: پیشگیری از وقوع جرم، توقیف پیشگیرانه، نظم عمومی، حقوق

شهروندی.

۱. استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

javan-j@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، (نویسنده مسئول)
m.r-noroozi@alumni.um.ac.ir

درآمد

دستگیری اشخاص مغایر با حقوق طبیعی ایشان بوده و اقدام به آن دست‌کم نیاز به ارتکاب جرم دارد. اهمیت این موضوع تا آنجا است که در برخی تعریف‌های صورت گرفته از این عملیات، موضوع مذکور لحاظ شده است. به طور مثال در یک تعریف آمده که منظور از دستگیری متهم، «سلب آزادی فرد در پاسخ به اتهام کیفری جهت حاضر نمودن وی نزد مرجع قضایی است» (جوان‌جعفری و نوروزی، ۱۳۹۶: ۲۹). در تعریف اصطلاح «اتهام» و تفهیم آن نیز به تشریح و تبیین جرم ارتكابی و آثار قانونی آن به‌مزنون اشاره شده است (نوروزی، ۱۳۸۶: ۱۷۰). بدین ترتیب لازم است جرمی صورت گرفته باشد تا در جهت شفاف‌سازی زوایای پنهان آن و ارائه توضیحات لازم، فرد مظنون دستگیر شود. با این وجود ممکن است به منظور حفظ حقوق جامعه و با استفاده از مدل‌های «پیش‌بینی رفتار»، پیشنهاد مشروعیت توقیف افرادی داده شود که قصد ارتکاب اعمال مجرمانه در آتی را داشته و یا مظنون به داشتن چنین اراده‌ای هستند. بدین ترتیب این نوع توقیف قبل از ارتکاب بزه و جهت پیشگیری از آن انجام می‌شود. البته در کتاب «حقوق تحقیقات جنایی» ضمن نامیدن این عملیات تحت عنوان «دستگیری اداری»،^۱ گفته شده است که به منظور جلوگیری از ارتکاب اعمال مخل نظم عمومی که جرم نبوده نیز می‌توان به توقیف اداری اطفال و یا دیوانگان اقدام کرد (انصاری، ۱۳۸۰: ۳۵۵).

با توجه به تعریفی که از اصطلاح «توقیف پیشگیرانه» شد، به نظر می‌رسد این عملیات مظه‌ری از مفهوم «عدالت پیشگیرنده» باشد. منظور از «عدالت پیشگیرنده»^۲ سیاست‌نهادهای عدالت کیفری در اتخاذ تدابیر کنشی قهرآمیز جهت پیشگیری از ارتکاب جرم است (اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۳۷). در این رابطه، نظام کیفری انگلستان به دلیل اتخاذ تدابیر قهرآمیز ناشی از کاربست «سیاست جنایی امنیت‌گرا»^۳ به منظور حفظ نظم جامعه و تأمین امنیت اعضای آن از دیرباز تا کنون به این جلوه از عدالت پیشگیرنده توجه داشته است؛ به نحوی که به موجب قسمتی از ماده ۲۴ قانون پلیس

1. administrative-arrest.
 2. Preventive Justice
 3. Security-Oriented Criminal Policy

و ادله‌ی کیفری مصوب ۱۹۸۴^۱ افسران پلیس حق توقیف افراد قبل از ارتکاب جرم را داشته‌اند. امروزه این اختیار به موجب بندهای (a) و (c) از قسمت اول ماده ۱۱۰ قانون پلیس و جرائم سازمان یافته کیفری^۲ به ایشان اعطاء شده است. اهمیت این مسأله باعث شده که برخی اسناد بین‌المللی نیز با عبور از حقوق کیفری کلاسیک، اختیارات گسترده‌ای به افسران پلیس جهت سلب آزادی افراد دهند؛ طوری که «توقیف پیشگیرانه» در آن‌ها مجاز شناخته شده است. به‌عکس از آنجا که این عملیات معارض با حقوق طبیعی افراد است، در سیره حکومتی امام معصوم و به تبع در نظام حقوقی ایران که مبتنی بر حقوق کیفری کلاسیک و شهروندمدار است، اجازه چنین عملیاتی داده نشده و تنها پس از ارتکاب جرم می‌توان به توقیف افراد اقدام کرد؛ هر چند که اخیراً در موارد معدودی، به چنین عملی اقدام شده است.^۳ البته توجه به این ایراد باعث شده که در نظام حقوقی انگلستان جهت جلوگیری از هر گونه سوء استفاده، ضوابط و استانداردهای مشخصی جهت اصولی‌تر شدن انجام این عملیات در نظر گرفته شود.

هدف از نگارش این مقاله مطالعه جایگاه «توقیف پیشگیرانه» در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان می‌باشد. در واقع مقاله حاضر درصدد است با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به این پرسش که «جایگاه توقیف پیشگیرانه به مثابه ابزار قهری جهت پیشگیری از ارتکاب جرائم در این نظام‌های حقوقی چگونه است» پاسخ دهد. در این راستا و به منظور پاسخ به این سوال، در قسمت اول مقاله به مطالعه مبانی جواز و یا منع این عملیات می‌پردازیم. اصل این مسأله معطوف به این بحث است که در صورت تعارض حقوق فرد با جامعه، مصالح جامعه اصالت دارد یا فرد و یا آن‌که پاسخ این سوال نسبی می‌باشد. از آنجا که هر یک از نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان با استناد به این مبانی، رویکردهای متفاوت در تجویز و یا رد این عملیات در پیش گرفته‌اند، در قسمت دوم مقاله جواز و یا منع قانونی «دستگیری اداری» در این نظام‌ها را مورد کنکاش قرار می‌دهیم. البته با توجه به متأسی بودن قانون‌گذار ما از موازین شرعی، به حیث زمام‌دار بودن امام اول شیعیان، در این قسمت نگاهی نیز

1. Police and Criminal Evidence Act 1984

2. Police and serious organized crime Act 2005

۳. در قسمت سوم مقاله در رابطه با این موضوع صحبت خواهیم کرد

به سیره ایشان در این زمینه خواهیم کرد. از آنجا که اعطای این اختیار زمینه تجاوز حداکثری به حقوق افراد را فراهم می‌آورد، لازم است به شکل علمی و اصولی صورت گیرد. با توجه به تجویز این عملیات در انگلستان، در قسمت سوم مقاله، به مطالعه «جهت» و «ضوابط» توقیف پیشگیرانه در این نظام حقوقی که باعث علمی‌تر شدن اجرای این عملیات شده خواهیم پرداخت.

۱. مبانی جواز و یا منع «دستگیری اداری»؛ به مثابه ابزار «عدالت

پیش‌گیرنده»

به لحاظ تاریخی، مکتب تحقیقی با شناسایی مفهوم «حالت خطرناک»^۱ نخستین بار به لزوم کاربست اقدامات تأمینی غیرقهری مقدم بر وقوع جرم برای دارندگان این حالت اشاره کرد (پرادل، ۱۳۹۲: ۱۰۵). در این رابطه آنریکوفری از نظریه‌پردازان این مکتب در راستای پیشگیری از وقوع جرم، دخالت قبل از ارتکاب جرم در مورد کسانی که آمادگی ارتکاب آن را از خود نشان داده‌اند، لازم دانست (صلاحی، ۱۳۸۶: ۷۰). بعدها مکتب دفاع اجتماعی^۲ نیز با توجه به اهمیت پیشگیری از وقوع جرم، تأمین امنیت شهروندان و حفظ حقوق ایشان را مبنا و مستند این اقدامات بازدارنده دانست. در واقع در این رویکرد امنیت‌گرا، مسأله حفظ نظم و تأمین امنیت جامعه بر حقوق و آزادی افراد اولویت یافته (اکبری و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۰۶) و دغدغه اصلی، پیش‌بینی سریع صدمه و ریسک‌های عوامل خطر، به ویژه بزهکاران خطرناک می‌باشد؛ طوری که حقوق کیفری را از خاستگاه اصلی خود که همان کیفردهی می‌باشد، دور کرده و به آن کارکرد پیشگیرانه قهرآمیز می‌دهد (نجفی‌ابرنادآبادی و رضوانی، ۱۳۹۴: ۱۰-۱۱). این موضوع بعدها تحت عنوان «عدالت پیشگیرنده»^۳ در صدد پیشگیری از ارتکاب جرم با استفاده از روش‌های قهرآمیز برآمد. محوریت این رویکرد، اتخاذ تدابیر کنشی سخت از طریق مداخله نهادهای عدالت کیفری به منظور جلوگیری از جرائم محتمل‌الوقوع و همچنین اتخاذ تدابیر لازم نسبت به افراد در آستانه ارتکاب جرم به منظور بازدارندگی می‌باشد (شاملو و خلیلی پاجی، ۱۳۹۹: ۱۳۱-۱۳۲). در این

1. Dangerous situation
2. Social defense theory.
3. Preventive Justice.

رابطه دو اندیشمند با نام‌های آشورث^۱ و زدنر^۲ در کتاب «پیشگیری و مرزهای حقوق جزا»، تحقق این هدف را از طریق حقوق کیفری و تدابیر قهرآمیز امکان‌پذیر دانسته (1: Ashworth and Zedner, 2013) و یک سال بعد در کتاب «عدالت پیشگیرانه» موضوع مطالعه خود را «شرح و توصیف ارزش‌ها و اصولی که می‌بایست راهنمای دولت‌ها در کاربست تدابیر پیشگیرانه‌ای که متضمن استعمال نیروی زور و یا سلب آزادی افراد باشد» عنوان نمودند (1: Ashworth and Zedner, 2014). در این راستا کشورهایی چون انگلستان به دلیل گسترش اختیارات پلیس در سلب آزادی شهروندان که ناشی از اتخاذ سیاست‌های قهرآمیز ناشی از کاربست سیاست جنایی امنیت‌گرا در دهه اخیر است،^۳ توجه ویژه‌ای به مقوله پیشگیری از جرم و ابزار عدالت مذکور در قوانین خود داشته‌اند (پرویزی‌فرد، ۱۳۹۱: ۱۱۴)؛ طوری که قانون «جلوگیری از جرم» در دو مقطع در سالهای ۱۹۰۸ و ۱۹۵۳^۴ در این کشور به تصویب رسید. متعاقباً در سال ۱۹۹۸ قانون «جرم و بی‌نظمی»^۵ و بعدتر در سال ۲۰۰۳ قانون «رفتارهای ضد اجتماعی»^۶ مورد تصویب پارلمان این کشور قرار گرفت. با پیش‌بینی دستور نظارت^۷ در قانون «جلوگیری از اعمال تروریستی»^۸ مصوب ۲۰۰۵، توسل به اقدامات پیش‌دستانه قهری به نقطه اوج خود در این کشور رسید. همان‌طور که در قسمت‌های بعدی مقاله ملاحظه خواهد شد، در همه این قوانین به طور تلویحی و در قانون پلیس و جرائم سازمان یافته کیفری^۹ صراحتاً به عملیات «توقیف پیشگیرانه» اشاره شده است. منظور از این عملیات، سلب آزادی افرادی است که در صدد ارتکاب جرم بوده، طوری که قبل از ارتکاب بزه و به منظور پیشگیری توقیف می‌شوند. البته با توجه به محوریت

1. Ashworth.

2. Zedner.

۳. در رابطه با چرایی این کاربست رجوع کنید به: کاشفی اسماعیل زاده، ۱۳۸۴: ۲۵۳-۲۹۴.

4. Prevention of Crime Act 1908.

5. Prevention of Crime Act 1953.

6. Crime and disorder Act 1998.

7. Anti-social behavior Act 2003.

۸. این دستور متضمن برقراری یک سری محدودیت نسبت به اشخاص مظنون به فعالیت‌های تروریستی جهت محافظت از اشخاص جامعه در برابر خطرات تروریستی است (Fenwick, 2017: 1091).

9. Prevention of Terrorism Act 2005.

10. Police and serious organized crime Act 2005.

حقوق جامعه در مفهوم عدالت پیشگیرنده، همان‌طور که گفته شد، «دستگیری اداری» نه تنها در جهت پیشگیری از جرم، بلکه ممکن است به منظور بازداشتن از آسیب‌ها و صدمات احتمالی ناشی از حضور اشخاصی چون دیوانگان صورت گیرد. به طور مثال هر لحظه بیم آن می‌رود که فرد دارای اختلال روانی با انجام کارهای ناهنجار و خطرناک به دیگران آسیب بزند؛ لذا منطقی نیست که برای اتخاذ راهکار مقتضی جهت توقیف و بستری نمودن او منتظر ایجاد سانحه بود. این موضوعی است که در قانون سلامت روانی انگلستان^۱ پیش‌بینی شده است (پرویزی فرد، ۱۳۹۱: ۱۰۳). بدین ترتیب آنچه در تبیین مشروعیت این نوع از سلب آزادی بیان می‌شود، ضرورت آن جهت حفظ حقوق جامعه و منع تجاوز به آن می‌باشد.

در نقطه مقابل و در نكوهش اجرای این عملیات باید گفت که اجرای این شکل از سیاست توان‌گیری باعث ایجاد ازدحام و تورم در جمعیت کیفری و در نهایت باعث افزایش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی دستگاه عدالت کیفری می‌شود. همچنین به لحاظ حقوق بشری نیز از جهت سخت بودن بار اثباتی، احتمال تجاوز به حقوق و آزادی‌های افراد در این عملیات بسیار می‌باشد. از طرفی به موجب اصول بنیادین حقوق جزای مدرن، نقطه عزیمت دستگاه عدالت کیفری مقارن با ارتکاب جرم و پس از آن بوده و هرگونه اقدام قبل از وقوع آن به مثابه قصاص قبل از جنایت تلقی شده و در نتیجه در تعارض با اصول حقوقی می‌باشد. در واقع اصل بر براءت بوده و تا زمانی که عمل مجرمانه‌ای صورت نگرفته، افراد از کلیه حقوق اجتماعی خویش همچون حق آزادی برخوردار می‌باشند. در نهایت می‌بایست به این مسأله توجه داشت که مشروعیت «دستگیری اداری» به عنوان ابزاری از «عدالت پیشگیرنده» زمینه سرکوب هر گونه مخالفت در نطفه را فراهم می‌نماید، طوری که افکار، تمایلات و گرایش‌های افراد را تحت نظارت خود قرار داده و به عنوان یک «بزه فکری»^۲ با آن‌ها

1. Mental health Act 1983.

2. Thought crime.

این اصطلاح برای نخستین بار در کتاب ۱۹۸۴ توسط جورج اورول استفاده شده و بیانگر باورها و تردیدهایی ذهنی بازگو نشده‌ای است که در تقابل با جهان‌بینی و مثنی حکومتی نظام حاکم قرار دارد و به همین خاطر دارندگان آن تحت تعقیب و محاکمه قرار می‌گیرند. بخشی از کتاب، تفسیری را که حکومت از مبارزه با «بزه فکری» دارد چنین روایت می‌کند: «براین گفت: منظور ما فقط این نیست که از شما اعتراف بگیریم یا شما را مجازات کنیم. می‌خواهی دلیل واقعی آوردنت را به این جا برایت

برخورد می‌کند. در حکومت‌های تمامیت‌خواه^۱ این موضوع به مثابه ابزاری جهت خفه کردن اندیشه‌های مجرمانه استفاده می‌شود؛ چنان‌که در حقوق کیفری آن‌ها به جای مبنا قرار گرفتن عمل ارتكابی، قصد و اراده مجرمانه اشخاص لحاظ می‌شود و فرد مظنون تبدیل به فرد مقصر می‌گشت (آنسل، ۱۳۹۱: ۴۰). توسل به این مبانی باعث شده که در نظام حقوقی ایران که دارای حقوق کیفری کلاسیک و شهروندمدار بوده، به تأسی از حکومت دینی حضرت امیر علیه‌السلام که حُسن‌ظن به افراد در آن محور بوده اشکال این نوع از عدالت به طور تام قابل ملاحظه نباشد؛ طوری که در آن انجام هر گونه اقدام پیش‌دستانه قهری به منظور ممانعت از ارتکاب جرم ممنوع شده است. در قسمت بعدی مقاله به تشریح جایگاه قانونی «دستگیری اداری» به عنوان یک مصداق از مفهوم عدالت پیشگیرنده در نظام‌های حقوقی انگلستان و ایران خواهیم پرداخت.

۲. جواز و یا منع قانونی «دستگیری اداری» در نظام‌های مورد مطالعه

گفته شد که پیشگیری از جرم ممکن است از جمله اهداف توقیف باشد. در واقع بر اساس فاکتور زمانی، در مورد ارتکاب جرائم سه حالت وجود دارد. حالت اول مربوط به زمانی است که هنوز ارتکاب جرم شروع نشده، ولی احتمال وقوع آن وجود دارد؛ در حالت دوم، فرد در حال ارتکاب جرم بوده و رکن مادی جرم هنوز خاتمه نیفتاده است؛ حالت سوم مربوط به زمانی است که جرم کاملاً تحقق یافته و مرتکب از ارتکاب رکن مادی جرم فارغ شده است. هدف دستگیری افراد در حالت دوم و سوم، برقراری نظم و اعاده نظم لطمه دیده از جرم بوده و در حالت اول، منظور از دستگیری پیشگیری از ارتکاب جرم می‌باشد. حال باید دید جایگاه قانونی «دستگیری اداری» در نظام‌های مورد مطالعه چگونه است.

در حقوق ایران، قانون‌گذار به تأسی از موازین شرعی و با توجه به مبانی منع

بگویم؟ دلیلش معالجه توست! برای این که تو را سر عقل بیاوریم! هرکسی را که ما می‌آوریم این‌جا تا وقتی معالجه نشده باشد، رها نمی‌کنیم. ما به جرایم احمقانه‌ای که تو مرتکب شده‌ای، علاقه‌ای نداریم. حزب به کارهایی که علناً انجام می‌شود علاقه ندارد. فقط افکار برای ما مهم هستند. ما به نابودی دشمنان خودمان اکتفا نمی‌کنیم، ما آن‌ها را عوض می‌کنیم» (اورول، ۱۳۹۷: ۳۳۸).

1. Totalitarianism.

نوعی از نظام سیاسی است که با استفاده از قدرت و با ایجاد وحشت در جامعه، در کلیه امور دخالت می‌کند.

مداخله پیش‌دستانه که در قسمت اول مطالعه شد، تنها در حین ارتکاب جرم و یا پس از وقوع آن اجازه دستگیری افراد را داده است. از حیث شرع، سیره حضرت امیر علیه‌السلام در برخورد با مخالفین، بهترین گواه در در این زمینه است. به عنوان نمونه پس از مخالفت ایشان با مسأله فرمانداری «طلحه» و «زبیر»، این دو به بهانه عمره قصد خروج از مدینه را کردند. به رغم آن‌که حضرت می‌دانست قصد واقعی آن‌ها از این سفر، طغیان و گردن‌کشی علیه حاکمیت می‌باشد، نه تنها امر به توقیف ایشان نداد، بلکه مانع از سفر ایشان به مکه هم نشد. نقل است که وقتی حضرت علیه‌السلام نزد ابن‌عباس از انگیزه آن‌ها پرده برداشت، وی گفت: «چرا آنان را به بند نکشیدی و به آن‌ها اجازه خروج دادی؟» امام در پاسخ ابن‌عباس فرمودند: «آیا به من می‌گویی بر پایه گمان و اتهام قبل از ارتکاب جرم مؤاخذه کنم؟!» (مفید، ۱/۱۴۱۳: ۱۶۷-۱۶۶). نظیر این سخن را امام در برخورد با «خریت بن راشد» فرموده است. وی که از یاران امام بود، پس از ماجرای حکمیت و پذیرش آن توسط امام، مخالف ایشان شد. عبدالله بن قعین می‌گوید: پس از این ماجرا من به منزل خریّت رفتم و ملاحظه کردم که وی از تصمیمش درباره جدایی از امام با یارانش صحبت می‌کرد. فردای آن روز آنچه را که دیده بودم به امام گفته و توصیه به بند انداختن او کردم. امام (ع) فرمود: «اگر این کار را با هر کس که به او گمان بد داریم، انجام دهیم، زندان‌ها را از آن‌ها پر می‌کنیم و من برای خود جایز نمی‌دانم که بر مردم یورش برم و آنان را زندان و مجازات کنم تا این‌که مخالفت خود را با ما اظهار کنند» (ابراهیم‌بن محمد ثقفی، ۱۳۹۵: ۳۳۲-۳۳۵). بر همین مبنا پس از آن‌که فردی هشدار از خطر توطئه «عبدالله بن وهب راسبی» و «زید بن حصین» را داد، از امام خواست که آن‌ها را توقیف نماید. امام با این استدلال که آن‌ها نه کسی را کشته و نه از اطاعت خارج شده‌اند، با پیشنهاد مذکور مخالفت کرد^۱ (طبری، ۱۳۸۷: ۱۳۱-۱۳۲). بدین ترتیب به نظر می‌رسد امام با اتکا به حدس و گمان به طور پیش‌دستانه اقدام به توقیف افراد نمی‌کرد؛ هر چند که به گواهی علم غیب ایشان، ارتکاب جرم در آینده قطعی بود؛ چنان‌که امام می‌دانست «ابن ملجم» او را ترور خواهد کرد، اما نسبت به او هیچ‌گاه اقدام پیش‌دستانه‌ای انجام نداد.^۲ از آنجا

۱. هر چند که اینان بعدها بنیان‌گذاران مکتب خوارج شده و با ایجاد بدعت‌های جدید، حضرت را متهم به کفر کرده و علیه او شوریدند.

۲. برای اطلاعات بیشتر در این حوزه، بنگرید به: سید موسوی، ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۳۶.

که ظاهر این روایات نقل شده دلالت بر عدم تمایل امام جهت سلب آزادی افراد به منظور پیشگیری از وقوع جرائم مهم حکومتی دارد، به نظر می‌رسد در جرائم مادون نیز چنین رفتاری در سیره ایشان قابل تصور نیست. البته اگر شواهد خارجی گویای این مسأله باشد که در آینده نزدیک جرائم مهم امنیتی قطعاً ارتکاب خواهد گرفت، بنا به حکم عقل و رعایت قاعده «وجوب حفظ نظام» واجب است که از وقوع آن پرهیز شود.^۱ در این رابطه در سیره امیرالمومنین ملاحظه شده که در صورت حصول یقین حاصل از مستندات بین مبنی بر ارتکاب قطعی جرم امنیتی در آتی، به طور پیش‌دستانه مداخله کرده‌اند؛ لیکن با توجه ماهیت پیشگیرانه بودن این اقدامات، به قدر حداقلی اکتفا نموده‌اند. به طور مثال پس از آگاهی حضرت از حرکت سپاه طلحه و زبیر (ناکثین) به سوی بصره، به منظور جلوگیری از قتل و غارت انسان‌های بی‌گناه و دفع غائله سریعاً از مدینه خارج شدند. «اسکافی» می‌گوید: در این رابطه حضرت به «رفاعه بن رافع» فرمود که نیتش از این حرکت اصلاح مهاجمان است، اگر به آن پاسخ مثبت دهند. رفاعه گفت: «اگر قبول نکردند، چه؟». حضرت فرمود: «از حق به اندازه‌ای که امید داریم راضی شوند، به آنان می‌بخشیم». رفاعه گفت: «اگر نپذیرفتند؟». علی علیه‌السلام فرمود: «تا وقتی که ما را به خود واگذارند، آن‌ها را به حال خود واگذار می‌کنیم». رفاعه گفت: «اگر ما را به خود واگذار نکنند؟». علی علیه‌السلام فرمود: «در مقابل آنان از خود دفاع می‌کنیم». رفاعه گفت: «نیکو تصمیمی است» (طبری، ۶/۱۳۸۹: ۱۴۳). این گفت‌وگو حکایت از روش حضرت در برخورد با مخالفان دارد که تا وقتی در مقابل حکومت قیام مسلحانه نکنند متعرض آنان نشود.

با ملاحظه این سیره، مقنن در ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح نموده که در صورت عدم اطمینان از وقوع جرم، ضابطان بدون داشتن حق بازداشت کسی، صرفاً می‌بایست به جمع‌آوری اطلاعات جهت گزارش به مقام قضایی اقدام نمایند. از طرف دیگر در ماده ۴۴ همین قانون تصریح شده که ضابطان دادگستری «فقط در صورتی می‌توانند متهم را بازداشت نمایند که قرائن و امارات قوی بر ارتکاب جرم مشهود توسط وی وجود داشته باشد». علاوه بر این که در این مقرره، بازداشت

۱. البته قواعدی دیگری چون قاعده‌ی ضرورت، دفع خطر مهم‌تر و دفع افسد به فاسد نیز توجیه‌کننده این مسأله می‌باشند.

افراد منوط به وجود امارات و قرائن ارتکاب یافتن جرم بوده، مشهود بودن جرم نیز مستتر در فعلیت و ارتکاب یافتن آن می‌باشد. البته استقرار نظم و تأمین آسایش فردی و عمومی از جمله اهداف تشکیل نیروی انتظامی بوده^۱ و پیشگیری از جرم یکی از طرق نیل به این هدف و در عین حال یکی از وظایف نهاد مذکور می‌باشد؛^۲ لیکن همان‌طور که گفته شد، اختیار سلب آزادی افراد به منظور پیشگیری از جرم به ضابطان اعطاء نشده است. بدین ترتیب با توجه به این‌که چنین عملیاتی در نظام حقوقی ما مبنای قانونی نداشته، با استناد به اصل سی و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اعلام نموده تنها در موارد قانونی می‌بایست اقدام به بازداشت افراد نمود، ضابطان از انجام هر گونه توقیف اداری جهت پیشگیری از جرم باید پرهیز کرده و در غیر این صورت به استناد ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی^۳ مستحق مواخذه و مجازات خواهند بود. با این وجود به منظور پیشگیری از ارتکاب برخی جرائم مهم، بعضاً به سلب آزادی افراد اقدام شده و از این جهت انتقاداتی صورت گرفته است؛ چنان‌که یکی از اعضای کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی در پاسخ نماینده دیگری که در تویتر خود در رابطه با بازداشت برخی دانشجویان نوشته بود: «گفته می‌شود عموم بازداشت‌ها، برای پیشگیری بوده است»، گفت: «بر اساس قانون اساسی اصل بر برائت است و هیچ‌کس را نمی‌توان سلیقه‌ای بازداشت کرد و این موضوع در مورد تمام افراد جامعه صدق می‌کند».^۴ البته به لحاظ حقوقی دور از ذهن نیست که ضرورت ایجاب نماید ضابطان دست‌کم در شرایط فوق‌العاده که دلایل متقن دلالت بر بروز خطرات مهم امنیتی داشته، به استناد مبانی چون «اجرای قانون مهم» به چنین عملی متوسل شوند. به هر حال همان‌طور که قانون‌گذار به منظور پیشگیری از ارتکاب جرائم علیه امنیت، برخلاف رویه صرف تبانی را جرم‌انگاری

۱. به موجب ماده ۳ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹.

۲. شق د بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹.

۳. به موجب این مقرر: «هر یک از مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

۴. خبرگزاری رویداد۲۴، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷، کد خبر: ۹۷۵۷۷، قابل دسترسی در:

<http://www.rouydad24.ir/fa/news/97577/>

کرده^۱ و یا آن که اجازه جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی را داده^۲ (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۳۱۶)، شاید مطلوب به نظر برسد در این جرائم نیز استثنائاً خلاف رویه جاری عمل کرده و به صراحت عملیات «دستگیری اداری» را قانوناً تجویز نماید، اما از آن جا که پیشنهاد مذکور دارای عیب «مسرئ بودن» است، طوری که اعطای مجوز «توقیف پیشگیرانه» به منظور پیشگیری از جرائم مهم احتمالاً باعث اعمال آن در جرائم خرد و کم اهمیت شود، لازم است سازکارهایی جهت آموزش بیشتر ضابطان در این حوزه و تنبیه جدی تر ناقضان پیش‌بینی شود؛ طوری که وسوسه استفاده از آن را تا حد ممکن کاهش دهد.

به طور کلی محوریت «توقیف اداری» در نظام کیفری انگلستان مبتنی بر ماده ۱۱۰ قانون پلیس و جرم سازمان یافته شدید مصوب سال ۲۰۰۵ است. به موجب این مقرر: «۱- افسر پلیس اختیار دستگیری افراد زیر بدون دستور قضائی را دارد؛ (a) - فردی که واقعاً در صدد ارتکاب جرم می باشد، ... (c) - فردی که بر پایه‌ی مبانی متعارف، مظنون به سعی در ارتکاب جرم می باشد،...» (Lee, 2014: 89). بدین ترتیب افسران پلیس انگلستان نه تنها در مواقعی که فرد در صدد ارتکاب جرم می باشد، بلکه در حالتی که وی مظنون به سعی در ارتکاب جرم می باشد نیز اختیار دستگیری وی را دارند. علاوه بر این به طور موردی می توان به قانون ضد اجتماعی مصوب ۲۰۰۳ اشاره کرد که در صدد کنترل و مدیریت خطر از طریق محدود کردن آزادی‌های اشخاص

۱. در این رابطه ماده ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی اذعان داشته که: «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد». همچنین در ماده ۶۱۰ این قانون تصریح شده که: «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد». با مقایسه این دو مقرر در کنار هم مشخص می شود که تحقق جرم تبانی در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی سهل تر بوده، طوری که نیاز به تدارک مقدمات اجرایی ندارد.

۲. به موجب ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «جلوگیری از فعالیت تمام یا بخشی از امور خدماتی یا تولیدی از قبیل امور تجارتي، کشاورزی، فعالیت کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و شرکتهای تجارتي و تعاونی‌ها و مانند آن ممنوع است مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه این فعالیت متضمن ارتکاب اعمال مجرمان‌های باشد که مضر به سلامت، مخل امنیت جامعه یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد از آن بخش از فعالیت مذکور جلوگیری و ادله یاد شده را در تصمیم خود قید کند».

می‌باشد (Sanders and other, 2010: 133). همچنین باید به اختیار بازداشت افراد توسط پلیس جهت جلوگیری از اخلال در نظم عمومی توجه داشت (Ormerod and Laird, 2015: 761)؛ طوری که اگر بیم بروز این اتفاق برود، اختیار دستگیری برای افسران پلیس وجود خواهد داشت. در این میان برخی از اقدامات پیشگیرانه که باعث محدودیت در آزادی تحرک افراد می‌شود، در منطقه خاکستری قرار گرفته، به طوری که مشخص نیست بازداشت صورت گرفته است یا خیر؟! به طور مثال مطابق ماده ۱۶ قانون جرم و بی‌نظمی انگلستان مصوب ۱۹۹۸، افسران پلیس این اختیار را دارند که در مواقع اضطراری دانش‌آموزان را از اماکن عمومی جمع‌آوری کرده و تحویل مدارس دهند. در ماده ۱۵ این قانون نیز به منظور ممانعت از عبور و مرور اطفال در ساعات معین، به افسران پلیس اختیار داده شده است تا اطفال یافت شده را به محل اقامت و نگهداری ایشان انتقال دهند^۱ (Jason-Lloyd, 2013: 87-89). بند یک ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۲ که به تصویب پارلمان انگلستان رسیده و در ردیف قوانین موضوعه این کشور می‌باشد نیز به این موضوع اشاره داشته است. به موجب این مقرر: «هر شخص از حق برخورداری از آزادی و امنیت فردی برخوردار است. هیچکس را نباید از آزادی‌اش محروم کرد به استثنای موارد زیر و بر اساس رویه‌ای که قانون مقرر کرده است: ... پ- ... بازداشت یا توقیف شخص به منظور جلوگیری از وقوع جرم توسط وی و ...». به موجب این قسمت از مقرر، سلب آزادی افراد به منظور پیشگیری از وقوع جرم جواز داشته و در کشورهایی که به این کنوانسیون پیوسته‌اند، این اختیار برای افسران پلیس آن‌ها پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب برخلاف نظام کیفری ایران که هم‌سو با اندیشه‌های دی‌می توقیف اداری در آن مشروعیت نداشته، در حقوق انگلستان مأموران از اختیارات گسترده توقیف افراد قبل از ارتکاب جرم بهره‌مند می‌باشند؛ هر چند که این موضوع دارای انتقادات فراوانی می‌باشد (Hirschel and other, 2008: 131). البته همان‌طور که

۱. البته از نظر اندیشمندانی چون دکتر آیت‌اله پرویزی فرد «توقیف» می‌تواند با هدف حفظ سلامتی شخص توقیف شده از هر گونه آسیب صورت گرفته و جنبه حمایتی (protective) داشته باشد (۱۳۹۱: ۷۹). توقیف کودکان و یا دانش‌آموزان از معابر و تحویل آن‌ها به مدرسه و یا والدینشان می‌تواند این جنبه از عملیات دستگیری را داشته باشد.

2. European Court of Human Rights.

گفته شد، به منظور تحدید این اختیارات در نظام حقوقی مذکور از یک سو ضروری دانسته شده که این بازداشت‌ها یا به منظور پیشگیری از وقوع جرائم خاص صورت گرفته و یا آن‌که با هدف مدیریت ریسک و کنترل خطرهای مشخص شده علیه سلامت اموال و بعضی اشخاص انجام شود (جهت دستگیری اداری). از سوی دیگر لازم می‌باشد در افسران پلیس حداقل ظن متعارف نسبت به ارتکاب جرم در آتی ایجاد شود (ضوابط دستگیری اداری). در ادامه به مطالعه نظام عملیات «دستگیری اداری» در نظام کیفری انگلستان که شامل دو محور جهات و ضوابط این عملیات بوده و اساس آن یک سری از بندهای ماده‌ی ۲۴ قانون پلیس و ادله‌ی کیفری مصوب ۱۹۸۴ (ماده ۱۱۰ قانون پلیس و جرم سازمان‌یافته شدید مصوب ۲۰۰۵) است خواهیم پرداخت.

۳. نظام «دستگیری اداری» در حقوق کیفری انگلستان

واگذاری اختیار «دستگیری اداری» به افسران پلیس زمینه تجاوز حداکثری به حقوق افراد را فراهم می‌آورد؛ لذا لازم است شرایطی پیش‌بینی شود تا در چارچوب آن سطح تعرض به کمترین میزان ممکن کاهش یابد. در واقع این موضوع که اشخاص ذی‌صلاح جهت سلب آزادی افراد منتظر ارتکاب جرم نمانند و قبل از ارتکاب آن، اقدام به توقیف افراد می‌کنند، بیان‌گر وجود مدیریت «ریسک جرم»^۱ در نظام جنایی بوده که به موجب آن با کاربست سیاست‌های کیفری امنیت‌گرا، ارزیابی و پیش‌بینی ارتکاب جرم به منظور بازدارندگی همواره در سیستم‌های عدالت جنایی به عنوان یک اصل مورد توجه بوده است. ایجاد این حق گسترده و غیرقابل کنترل بدون توجه به آزادی و ارزش‌های افراد زمینه تجاوز حداکثری به حقوق شهروندی را فراهم کرده و در نتیجه لازم است استانداردهای لازم جهت اصولی‌تر انجام شدن این عملیات پیش‌بینی گیرد. در حقوق ایران به تبع فقدان تصریح این توقیف، چارچوبی دقیق جهت اعمال آن در نظر گرفته نشده؛ لیکن در حقوق انگلستان که این عملیات جواز قانونی داشته، به منظور رعایت هر چه بیشتر حقوق شهروندی، به اتخاذ یک مدل علمی جهت اجرای آن اقدام شده است؛ طوری که شخص دستگیر شده حداقل مظنون به سعی در ارتکاب برخی جرائم و یا انجام بعضی بی‌نظمی‌ها باشد. با

1. Crime risk.

توجه به این گزاره، ابتدائاً ضابطه توقیف اداری در حقوق کیفری انگلستان که همان ضرورت ایجاد قطع و یا دست‌کم ظن متعارف در افسران پلیس بوده را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. در مبحث دوم با مطالعه جهات این نوع توقیف در نظام کیفری انگلستان، از ضرورت دلایل این بازداشت که همان پیشگیری از وقوع جرائم خاص و یا مدیریت ریسک و کنترل خطرهای مشخص شده در قانون بوده صحبت خواهیم نمود.

۳-۱. ضابطه وجود حداقل «ظن متعارف» در «دستگیری اداری»

در تبیین این ضابطه باید گفت قانون‌گذار کیفری انگلستان در خصوص جرائم قریب‌الوقوع، دو فرض را متصور شده است؛ فرض اول حالتی است که فرد واقعاً در صدد ارتکاب جرم بوده^۱ و دستگیری وی با حصول یقین صورت می‌گیرد.^۲ فرض دوم مربوط به حالتی است که افسران پلیس ظن متعارف^۳ به این موضوع داشته که فرد در صدد ارتکاب جرم^۴ می‌باشد، صرف نظر از این‌که واقعاً بزهی در آستانه ارتکاب باشد یا خیر.^۵

در حالت اول قرائن و امارات همگی دلالت بر قطعیت ارتکاب جرم در آینده داشته و بهترین نشانه جهت احراز این حالت روانی، انجام عملی است که فرای مقدمات ارتکاب جرم بوده؛ البته تا آن‌جا که عمل ارتكابی شروع به جرم شناخته نشود. این موضوع را می‌توان در قالب یک پرونده توضیح داد. در دعوی آر علیه گولفر^۶ متهم پس از مشاهده این موضوع که سگ مورد حمایت او در یک مسابقه تازی در آستانه شکست است، به منظور پس گرفتن پولی که برای انجام قمار داده بود، با پریدن به روی پیست، سعی کرد حواس سایر سگ‌ها را منحرف نماید. پس از بازداشت وی، لرد لین سی جی^۷ با این استدلال که پرش متهم به روی پیست، عملی در حد آمادگی صرف برای انجام «سرقت» بوده، دست کم مراجعه او به بنگاه

1. "is about to commit".

2. 24-1(a) PACE (Police and Criminal Evidence Act 1984).

3. Reasonable suspicion.

4. "to be about to commit".

5. 24-1(c) PACE (Police and Criminal Evidence Act 1984).

6. R v Gullefer.

7. Lord Lane CJ.

جهت مطالبه پول را لازم برای صدور این محکومیت او لازم دانست (O'Riordan, 2003: 45). در این پرونده گرچه برای محکومیت به سرقت و یا شروع به آن لازم دانسته شده که مرتکب به منظور پس گرفتن پول خود به بنگاه مراجعه کند؛ لکن عمل ارتكابی وی به قطع دلالت بر این موضوع دارد که وی در آینده جهت انجام این عمل به بنگاه مراجعه خواهد کرد. همچنین در پرونده آر علیه کمبل^۱ فردی با قصد سرقت از اداره پست با به همراه داشتن اسلحه قلابی و یک یادداشت تهدیدآمیز که قصد ارائه آن به صندوقدار را داشت، در یک قدمی درب آن اداره بازداشت شد. در پاسخ به اعتراض متهم، لازم دانسته شد که دست کم در این پرونده اعمالی چون ورود به اداره پست و انجام اقدامات خصمانه به منظور دریافت پول باید صورت گیرد تا بتوان به اتهام شروع به سرقت، مظنونی را دستگیر کرد (C. Holzer, 2022: 238). در پرونده اخیر، گرچه اعمال ارتكابی در حد شروع به جرم نبوده، لکن به خوبی دلالت بر قطعیت ارتكاب جرم در آینده دارد. بدین ترتیب در نظام حقوقی انگلستان پس از ارتكاب یک سری اعمال مقدماتی که حکم شروع به جرم نداشته می توان پی به قطعیت ارتكاب جرم در آینده برد.

در رابطه با فرض دوم باید گفت برحسب ظن و تردیدی که نسبت به احتمال ارتكاب جرم در آتی وجود دارد، در نظام حقوقی انگلستان این اختیار برای افسران پلیس پیش بینی شده که می توانند افرادی که مظنون به ارتكاب جرم در آینده هستند را بازداشت کنند. در این رابطه در پرونده حسین علیه چونگ فوک کام^۲ این موضوع اعلام شد که ظن متعارف ممکن است مبتنی بر چیزهایی باشد که به عنوان ادله در دادگاه قابل پذیرش نیست. بدین ترتیب به چیزی کمتر از ادله محکمه پسند در ایجاد این ظن نیاز است (Murphy and Stockdale, 2011: 1184). این کیفیت نفسانی درجه اطمینانش کمتر از قطع بوده، طوری که به تنهایی قادر به اثبات یک موضوع نیست. بدین ترتیب ظن متعارف، گرچه اعتبار ادله و مستندات محکمه پسند را نداشته، ولی بروز آن در افسران پلیس باعث مشروعیت توقیف افراد حتی به طور پیش دستانه می شود. ظاهراً علت این انعطاف پذیری و عدم سخت گیری در پذیرش معیار ظن

1. R v Campbell.

2. Hussien v Chong Fook Kam.

متعارف، رفع مشکلاتی است که افسران پلیس در اتخاذ تصمیم آنی با آن مواجه هستند (Feldman, 2002: 332). حتی در عمل، دادگاه‌ها میلی به بررسی اظهارات پلیس مشعر بر ایجاد ظن متعارف در ایشان ندارند؛ چرا که دادگاه‌ها موظفند مبانی ضعیف در ایجاد ظن متعارف را کافی بدانند (Kelly and Slapper, 2009-2010: 437). البته امکان پذیرش این ادعا در تمام جرائم به طور یکسان وجود ندارد؛ چنان‌که در این نظام حقوقی در مصاف با انواع جرائم، نوعی سیاست جنایی افتراقی در احراز و پذیرش ظن متعارف هست، طوری که در جرائم مهم مانند جرائم تروریستی از تفسیر موسع و در جرائم عادی از تفسیر مضیق جهت احراز این ظن استفاده می‌شود (شاکری و قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۰۰). به هر طریق در این مسیر نباید با ایجاد برداشت‌های ناروا زمینه خدشه به حق آزادی افراد را فراهم کرد، در غیر این صورت هر گونه سلب آزادی پیش‌گیرانه غیر قانونی و باعث مسؤلیت خواهد بود. این موضوع حتی در توقیف‌های پیش‌بینی شده در کامن‌لا به منظور توقف «اخلال در نظم عمومی»^۱ یا پیشگیری از آن قابل ملاحظه است. به طور مثال در دعوای آر علیه هاول^۲ متهم پس از ایجاد مزاحمت و دخالت در ناآرامی‌های خیابانی دستگیر شد. قاضی واتکینز^۳ در این پرونده اعلام نمود که اختیار دستگیری به جهت اختلال قابل پیش‌بینی در نظم عمومی در صورتی که فرد بازداشت‌کننده شاهد هتاکی و فریاد زدن قبلی متهم باشد، وجود دارد. در واقع مأمور می‌بایست بر این باور منطقی بوده که احتمال منتهی شدن رفتار مظنون به خشونت نسبت به دیگران وجود داشته است (Kelly and Slapper, 2016-2017: 354-355). بدین ترتیب در اینجا به استناد «معیارهای ذهنی»، احتمال ارتکاب جرم در آتی قابل پیش‌بینی می‌شود.

۲-۳. لزوم وجود جهات «دستگیری اداری»

در نظام کیفری انگلستان، علاوه بر پیش‌بینی صریح «دستگیری اداری»، به ضرورت وجود یک سری جهات قانونی^۴ جهت انجام این عملیات اشاره شده است. در واقع دستگیری افراد زمانی موجه می‌باشد که دلایل قانونی برای انجام این

1. Breach of peace.
2. R v Howell.
3. Watkins.
4. Reasons arrest.

کار وجود داشته باشد^۱ (شاکری و قاسمی، ۱۳۹۵: ۹۸). بدین ترتیب صرف تصور ارتکاب جرم در آتی و یا صرف وجود دلایل مذکور باعث مشروعیت این عملیات در انگلستان نشده؛ بلکه برای انجام آن ترکیبی از این دو عامل لازم است.^۲ به طور کلی جهات توقیف، در بند ۵ ماده ۲۴ قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴ پیش‌بینی شده و دلایل مربوط به توقیف اداری در قسمت (c) و (d) این مقرر تصریح شده است و لازم می‌باشد به منظور ممانعت از تحقق موارد مذکور، این عملیات صورت گیرد. بدین ترتیب می‌توان این دلایل را در دو شکل «واکنشی» و «بازدارنده» مطالعه کرد. هدف از توقیف به اقتضای دلایل «واکنشی»، تعقیب و تحقیق از فردی است که مظنون به ارتکاب جرم صورت گرفته می‌باشد. بندهای (a)^۳ و (b)^۴ و (e)^۵ و (f)^۶ این مقرر، مصادیق این دلایل بوده و مربوط به بندهای ۲، ۳ و قسمت‌های (b) و (d) از بند ۱ ماده ۲۴ قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴ است.^۷ از طرف دیگر، دلایل «بازدارنده» مربوط به مرحله قبل از ارتکاب فعل مجرمانه بوده و فلسفه وجوب آن دستگیری افراد به منظور پیشگیری از ارتکاب جرم یا حادثه نامطلوب نسبت به افراد آسیب‌پذیر است. به موجب بندهای (c) و (d) از بند ۵ قانون مذکور، «پیشگیری از ایراد صدمه بدنی به خود یا دیگری، جلوگیری از تحمل صدمه بدنی،^۸ خودداری از

۱. در نظام‌های حقوقی دیگری چون نظام کیفری کشور اوگاندا ضمن بحث از عملیات دستگیری اداری، صحبت از این جهات شده است. این موضوع در ماده ۲۴ قانون پلیس (The Police Act) کشور مذکور این گونه مطالعه شده که «افسر پلیسی که دلیل منطقی دارد بر این باور که توقیف کردن فردی ضروری است برای جلوگیری از الف- صدمه جسمانی زدن به خود و یا سایرین؛ ب- ایجاد اسباب ایراد صدمه بدنی به خود توسط سایرین؛ ج- ایجاد ضرر یا خسارت به اموال؛ د- ارتکاب جرم علیه عفت عمومی در ملاء عام؛ ه- ایجاد انسداد غیرقانونی در بزرگراه؛ و- وارد کردن آسیب یا رنج ناروا به کودکان یا دیگران فرد آسیب‌پذیر؛ می‌تواند آن شخص را دستگیر کند».

https://www.upf.go.ug/download/legal_mandate/The-Police-Act.pdf

2. 24-4 PACE (Police and Criminal Evidence Act 1984).

۳. «برای احراز نام شخص مورد نظر».

۴. «برای احراز آدرس شخص مورد نظر».

۵. «تجویز تحقیقات موثر و فوری در مورد جرم و یا رفتار شخص مورد نظر».

۶. «پیشگیری از هر گونه تأخیر در تعقیب جرم که به واسطه ناپدید شدن شخص مورد نظر حادث می‌شود».

۷. در فرض بندهای مذکور، یا جرم اتفاق افتاده یا در حال اتفاق می‌باشد.

۸. منظور این‌که در صورت عدم توقیف مظنون، وی شرایطی را فراهم کند که بدون توسل به خودزنی، اسباب ایراد صدمه بدنی به خود توسط سایرین را فراهم کند.

تخریب و تلف اموال، ممانعت از جرائم علیه عفت عمومی،^۱ بازداشتن از انسداد غیر قانونی بزرگراه‌ها یا هرگونه ایجاد خطر برای طفل یا شخص آسیب‌پذیر»^۲ مورد این حق برای افسران پلیس انگلستان بوده (Lee, 2014:91-92) و مربوط به قسمت‌های (a) و (c) از بند ۱ ماده ۲۴ قانون مذکور می‌باشد.^۳ البته در اصلاحات بعدی، این دلایل در بند (c) و (d) ماده ۱۱۰ قانون پلیس و جرائم سازمان یافته کیفری انگلستان پیش‌بینی شد. بدین ترتیب گرچه پیش‌بینی توقیف اداری در جرائم مهمی که متضمن ایراد آسیب و صدمات غیرقابل جبران نسبت به جامعه و اعضای آن به ویژه حق حیات و تمامیت جسمانی می‌باشد، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده، لیکن همان‌طور که از جهات قانونی این عملیات در انگلستان مشخص است، این اختیار افسران به جرائم سبک نیز تسری پیدا کرده که به ظن عده‌ای این توسعه نیز پیامد گسترش سیاست جنایی امنیت‌گرا در این کشور بوده است (رضایی، ۱۴۰۰: ۴۷). همان‌طور که گفته شد، جهات مربوط به دستگیری اداری در نظام حقوقی کشور ما پیش‌بینی نشده، اما با استناد به ضرورت‌هایی از این دست، آزادی افراد گاه سلب شده است. به طور مثال به‌رغم آن‌که قانون‌گذار جهت ساماندهی کودکان کار صحبت از «جذب»^۴ آن‌ها کرده، آنچه در عمل صورت می‌گیرد توقیف آن‌هاست؛ طوری که نایب رئیس انجمن حمایت از حقوق کودکان درباره برخورد نامناسب با کودکان کار اذعان داشته: «نحوه جذب کودکان کار در طرح ساماندهی در اکثر موارد شبیه به دستگیری بود و دستگیری لزوماً به این معنی نیست که ما با یک دستبند و اسلحه سراغ کسی برویم.

1. Public decency.

2. Vulnerable person.

افراد آسیب‌پذیر اشخاصی هستند که بنا به شرایط روانی، بیماری و یا کهولت سن، به خدمات مراقبت اجتماعی نیاز داشته و توانایی مراقبت از خویش را ندارند. برای اطلاعات بیشتر در این حوزه، بنگرید به:

Michael Mandelstam, *Safeguarding Vulnerable Adults and the law* (London: Jessica Kingsley Publishers, 2009), 23.

۳. همان‌طور که قبلاً گفته شد، در فرض قسمت‌های مذکور، فرد یا واقعاً درصدد ارتکاب جرم بوده یا مظنون به تلاش جهت ارتکاب آن است.

۴. به استناد بند ۴ از ماده یک آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی مصوب ۱۳۸۴/۵/۴، منظور از جذب «ارتباط تقویت یافته مددکار اجتماعی با کودک خیابانی است که جلب اعتماد و پذیرش ارتباط از سوی کودک خیابانی را به همراه دارد».

دستگیری می‌تواند با تهدید کلامی و ایجاد ترس و هراس باشد؛ به طوری که کودک ناچار تسلیم شرایط و وارد ماشین‌های بهزیستی شود.^۱ این اقدام به منظور جلوگیری از ایجاد خطر برای طفل یا شخص آسیب‌پذیر صورت می‌گیرد. بازداشت‌های پیشگیرانه دانشجویان نیز که قبلاً صحبت از آن‌ها شد، به استناد ضرورت‌هایی چون جلوگیری از تخریب و تلف اموال صورت گرفته است.

۱. خبرگزاری خبر آنلاین، تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۴/۲۶، کد خبر: ۱۲۸۰۵۴۳، قابل دسترسی در: khabaronline.ir/xdTmy

برآمد

۱- گرچه به اقتضای اصولی چون اصل برائت و اصل قانونی بودن، «توقیف پیشگیرنده» به مثابه ابزاری از مفهوم عدالت پیشگیرنده در نظام حقوقی ایران جایگاهی ندارد، اما تقدم مسأله حفظ نظم و تأمین امنیت جامعه بر حقوق و آزادی افراد، ایجاب می‌کند که به تاسی از نظام کیفری انگلستان که در آن توقیف پیشگیرنده دارای جواز قانونی می‌باشد، تنها در جرائم مهم امنیتی ضابطان از چنین اختیاری بهره‌مند باشند. البته در انگلستان بدون ملاحظه ایرادهای ناشی از اجرای این عملیات، در جرائم کم اهمیت نیز حکم به جواز انجام آن داده شده است. بدین ترتیب قانون آیین دادرسی کیفری و دیگر قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط با آن می‌بایست ضمن توجه به حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان، با ظرافت و دقت به مسأله نظم و امنیت عمومی جامعه نیز توجه لازم داشته باشند؛ چنان‌که بر پایه آن‌ها، اصل نخستین می‌بایست عدم جواز انجام توقیف پیشگیرانه باشد. این موضوع با اصل برائت و رعایت حقوق افراد منطبق می‌باشد. از سوی دیگر حفظ نظم و تأمین امنیت جامعه ایجاب می‌کند که ضابطان از اختیارات لازم جهت پیشگیری از ارتکاب جرائم مهم برخوردار باشند. البته به منظور جلوگیری از ارتکاب اعمال مخل نظم عمومی که جرم نبوده نیز می‌بایست به توقیف اداری اطفال و یا دیوانگان اقدام نمود.

۲- از آنجا که «دستگیری اداری» به منظور رعایت حقوق جامعه و اعضای آن جهت ممانعت از ارتکاب جرم و یا هرگونه آسیب به اشخاص و یا اموال مشخص شده صورت می‌گیرد، لازم بوده به منظور حفظ نظم و عدم تجاوز به حقوق شهروندی افراد، یک سری ضوابط قانونی برای انجام آن پیش‌بینی شود. این موضوع در حقوق انگلستان مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که در قانون پلیس و ادله کیفری انگلستان برای انجام بازداشت اداری دست‌کم ایجاد ظن متعارف در افسران پلیس نسبت به ارتکاب جرم در آتی ضروری است. این موضوع حتی در توقیف‌های پیش‌بینی شده در کامن‌لا به منظور توقف «اخلال در نظم عمومی» یا پیشگیری از آن قابل ملاحظه می‌باشد. از آنجا که در نظام حقوقی ایران، دستگیری اداری جواز قانونی ندارد، ضوابطی هم برای انجام آن پیش‌بینی نشده است؛ لکن مطلوب است ضمن پیش‌بینی صریح اجرای این عملیات، جهت اصولی‌تر شدن اجرای آن، ضوابطی لحاظ

شود و برای ناقضان ضمانت اجرای کیفری و مدنی مشخص شود. این موضوع بی تردید مستلزم برگزاری دوره‌های آموزشی برای ضابطان، جهت فراگیری ضوابط و مهارت‌های لازم جهت انجام توقیف پیشگیرانه و آگاهی از مسؤولیت‌های حاصله می‌باشد.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * اکبری، محمد و ساداتی، سیدمحمدجواد و جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا (۱۴۰۲)، «بازخوانی اصول دادرسی کیفری در تقابل گفتمان‌های آزادی‌مدار و امنیت‌گرا»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۷، شماره ۱۲۳.
- * انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۰)، حقوق تحقیقات جنایی، تهران: سمت.
- * اورول، جورج (۱۳۹۷)، ۱۹۸۴، برگردان: زهره زندیه. تهران: آذرمدخت.
- * آنسل، مارک (۱۳۹۱)، دفاع اجتماعی، تهران: گنج دانش.
- * پرادل، ژان (۱۳۹۲)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: سمت.
- * پرویزی‌فرد، آیت‌اله (۱۳۹۱)، «دستگیری متهم بدون دستور قضائی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس»، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۲، شماره ۲.
- * پرویزی‌فرد، آیت‌اله (۱۳۹۱)، سلب آزادی از متهم در حقوق ایران و انگلستان، تهران: جنگل.
- * جوان‌جعفری، عبدالرضا و نوروزی، محمد (۱۳۹۶)، «بایسته‌های دستگیری متهم در نظام حقوقی انگلستان و اسناد بین‌المللی»، تعالی حقوق، دوره ۳، شماره ۲۱.
- * رضایی، مهدی (۱۴۰۰)، «بازداشت متهم بدون دستور قضائی: با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور مرکز کرج.
- * سیدموسوی، حسین (۱۳۹۵)، «نقد و بررسی تفسیر شارحان نهج‌البلاغه از عبارت «هَيْهَاتَ عِلْمٍ مَخْرُؤٌ» خطبه ۱۴۹»، پژوهشنامه نهج‌البلاغه، دوره ۴، شماره ۱۳.
- * شاکری، ابوالحسن و قاسمی، مسعود (۱۳۹۵)، «پاسخ به جرم مشهود در سیاست جنایی ایران با نگاهی به حقوق انگلستان»، پژوهش‌های دانش انتظامی، دوره ۱۸، شماره ۷۰.
- * شاملو، باقر و عارف خلیلی پاچی (۱۳۹۹)، «رویکرد ریسک‌مدار سیاست جنایی در برابر پول‌شویی»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، دوره ۱۱، شماره ۱.
- * صلاحی، جاوید (۱۳۸۶)، کیفرشناسی، تهران: میزان.
- * طبری، ابوجعفر محمد بن جعفر (۱۳۸۹)، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، جلد ششم، برگردان: ابوالقاسم پاینده. بی‌جا: الکترونیک.

* کاشفی اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۴)، «جنبش‌های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی: علل و جلوه‌ها»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۱۵.

* نجفی ابرندآبادی، علی حسین و رضوانی، سودابه (۱۳۹۴)، «سلب آزادی پیشگیری محور با تأکید بر ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، پژوهش حقوق کیفری، دوره ۴، شماره ۱۲.

* نوروزی، نادر (۱۳۸۶)، «تفہیم اتهام در مقررات کیفری ایران»، پژوهش‌های دانش انتظامی، دوره ۹، شماره ۳.

ب. عربی

* طبری، ابو جعفر محمد بن جعفر (۱۳۸۷ق)، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری). بیروت: دارالتراث.

* مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الجمل. جلد نخست، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.

* ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵ق)، الغارات. جلد نخست، تهران: انجمن آثار ملی.

پ. انگلیسی

* Ashworth, Andrew, Lucia Zedner and Patrick Tomlin (2013), **Prevention and the Limits of the Criminal Law**, Oxford: Oxford University Press.

* Ashworth, Andrew and Lucia Zedner (2014), **Preventive Justice**, Oxford: Oxford University Press.

* Feldman, David (2002), **Civil liberties and Human Right in England and wales**, Oxford: Oxford University press.

* Fenwick, Helen (2017), **Fenwick on Civil Liberties & Human Rights**, Abingdon: Routledge.

* Hirschel, David, William Wakefield and Scott Sasse (2008), **Criminal justice in England and United States**, Sudbury: Jones and barlett publishers.

* Ormerod, David and Karl Laird (2015), **Smith and Hogan's Crim-**

inal Law, Oxford: Oxford University Press.

* Holzer, Jacob C, Andrea J. Dew and Patricia R. Recupero and Paul Gill (2022), **Lone-actor Terrorism**, New York: Oxford University Press.

* Jason-Lloyd, Leonard (2013), **Introduction to Policing and Police Powers**, London: Routledge-Cavendish.

* Kelly, David and Gary Slapper (2016-2017), **The English Legal System**, London: Routledge.

* Kelly, David and Gary Slappe (2009-2010), **The English Legal System**, London: Routledge.

* Lee, Robert G (2014), **Blackstone's Statutes on Public Law and Human Rights 2014-2015**, Oxford: Oxford University Press.

* Mandelstam, Michael (2009), **Safeguarding Vulnerable Adults and the law**, London: Jessica Kingsley Publishers.

* Murphy, peter and Stockdale Eric (2011), **Blackstone s criminal practice 2012**, Oxford: oxford university press.

* O'Riordan, Jimmy, (2003), **A2 Law for OCR**, Oxford: Heinemann.

* Sanders, Andrew, Richard Young and Mandy Burton (2010), **Criminal Justice**, New York: Oxford University Press.

ت. منابع اینترنتی

* خبرگزاری رویداد۲۴، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷، کد خبر: ۹۷۵۷۷، قابل دسترسی در:

<http://www.rouydad24.ir/fa/news/97577/>

* خبرگزاری خبر آن‌لاین، تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۴/۲۶، کد خبر: ۱۲۸۰۵۴۳، قابل دسترسی در:

* https://www.upf.go.ug/download/legal_mandate/The-Police-Act.pdf